

ادعای عجیب مرد سارق برای انتقام از همسرش

19 مهر 1403

مرد سارق برای انتقام از همسرش که اصرار بر طلاق داشت او را به عنوان سارق گوشی قاپ به پلیس معرفی کرد.

چند روز قبل دختر جوانی خود را به پلیس رساند و از سرقت گوشی تلفن همراهش توسط دو مرد موتورسوار خبر داد.

تحقیقات برای دستگیری سارقان موتورسوار آغاز شد و بازبینی دوربین‌های مداربسته حکایت از آن داشت که گوشی قاپ‌ها، صورتشان را با ماسک و کلاه پوشانده و پلاک موتورسیکلتشان را نیز مخدوش کرده بودند. بدین ترتیب سارقان هیچ ردی از خود به جا نگذاشته بودند. در حالی که بررسی‌ها برای دستگیری سارقان گوشی قاپ ادامه داشت، کارآگاهان با شکایت‌های مشابه مواجه شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد چهار پسر جوان در غرب و شمال غربی پایتخت سرقت‌ها را رقم می‌زنند. باتوجه به سریالی بودن گوشی قاپی‌ها، تحقیقات ادامه یافت تا اینکه دختر جوانی با پلیس تماس گرفت و گفت: من یک مغازه موبایل فروشی در غرب تهران را می‌شناسم که پاتوق سارقان گوشی قاپ است. با این اطلاعات مأموران به محل رفته و فروشنده مغازه به نام اردشیر را تحت بازجویی قرار دادند. اما مرد جوان که خود را در محاصره مأموران می‌دید مدعی شد همسرش با همدستی سه مرد دیگر سرقت‌ها را مرتکب شده است.

او در تحقیقات گفت: همسر من یکی از اعضای باند سرقت است. او از من خواسته تا گوشی‌های تلفن سرقتی را در مغازه‌ام به فروش برسانم. او لباس مردانه می‌پوشد و به همراه سه عضو دیگر باند، به صورت سریالی برای سرقت می‌روند. زمانی که با مخالفتم مواجه شد، مرا تهدید کرد که مهریه‌اش را به اجرا می‌گذارد. من هم که توانایی پرداخت مهریه میلیاردی او را نداشتم و می‌دانستم با شکایت او به زندان می‌افتم، قبول کردم که گوشی‌های سرقتی را در مغازه‌ام بفروشم.

باتوجه به اظهارات اردشیر، کارآگاهان پلیس به سراغ همسر او رفتند اما زن جوان منکر ادعاهای همسرش شد و گفت: وقتی با اردشیر آشنا شدم او گفت دانشجوی دکتری در رشته اقتصاد و پولدار و تاجر است. از سفرهایش به کشورهای عربی برای تجارت می‌گفت و اینکه مغازه موبایل‌فروشی دارند و بیشتر موبایل‌ها را نیز خودشان از خارج کشور وارد می‌کنند. من هم خام حرف‌هایش شدم و با او عقد کردم اما بعد از عقد متوجه رفتارهای مشکوک او شدم. شب‌ها دیر به خانه می‌آمد و خیلی مواقع تلفن همراهش خاموش بود. وقتی از او می‌پرسیدم شب‌ها کجا می‌رود هر بار یک بهانه می‌آورد. فکر می‌کردم به من خیانت می‌کند اما بالاخره یک شب از رازش با خبر شدم؛ او و سه نفر از دوستانش سارق بودند و گوشی قاپی می‌کردند. وقتی از سرقت‌های او باخبر شدم، تصمیم به جدایی گرفتم و حتی حاضر بودم که مهریه‌ام را ببخشم تا طلاقم دهد اما او قبول نکرد و من هم تصمیم گرفتم او و همدستانش را لو بدهم.

با اظهارات دختر جوان، اردشیر بازداشت شد و در ادامه تحقیقات به سرقت‌های سریالی به همراه سه

همدستش اعتراف کرد.

با اعتراف او، همدستانش نیز بازداشت شدند و به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت در اختیار اداره آگاهی قرار داده شدند و تحقیقات برای شناسایی سایر مالباختگان احتمالی این باند ادامه دارد.

می خواستم انتقام بگیرم

اردشیر، 30 ساله، دانشجوی انصرافی رشته اقتصاد در مقطع کاردانی است و مدتی است که به همراه سه نفر از دوستانش گوشی‌قاپی‌های سریالی را رقم می‌زند.

چرا به دروغ گفתי همسرت سارق است؟

چون من به خاطر او دزد شدم. من دانشجوی انصرافی بودم البته در مورد وضع مالی خودم و خانواده‌ام دروغ گفته بودم و وضع مالی خوبی نداشتیم. حتی مغازه‌ای که در آن کار می‌کردم متعلق به یکی از دوستانم بود. برای اینکه همسرم متوجه دروغ‌هایم نشود مجبور شدم سرقت کنم. یک روز که داخل مغازه بودم، مردی به سراغم آمد و خواست موبایل سرقتی از او خریداری کنم، ابتدا مخالفت کردم اما او از سود بالای این کار گفت. من هم که نیاز به پول داشتم قبول کردم، بعد هم وارد سرقت شدم و همدستانم آموزش‌های لازم را به من دادند و من هم خیلی زود یاد گرفتم.

تا به حال دستگیر نشده بودی؟

نه ولی نمی‌دانم چه شد همسرم فهمید من و دوستانم سارق هستیم و می‌خواست طلاق بگیرد. حتی گفت مهریه‌اش را نمی‌خواهد و فقط می‌خواهد من او را طلاق دهم. چطور می‌توانستم این کار را انجام دهم، درحالی که به خاطر او این همه خطر را به جان خریدم. چند بار برای اینکه دستگیر نشوم از دست پلیس فرار کرده بودم و بدترین حس‌ها را تجربه کرده بودم. وقتی پلیس به سراغم آمد برای انتقام از همسرم او را سارق معرفی کردم.

*مرضیه همایونی